



## در حاشیه نوشته های مرتبط به لیست هزاران شهید

تنظیم، اصلاح و دسته بندی الکترونیک لیست هزاران قربانی توسط محترم آریا کار دقیق و حوصله طلب هموطن گرامی ما محترم رحمت آریا بالای لیست هزاران شهید و تحلیل متکی بر اسناد وی از جریانات نقض حقوق بشر و جنایات جنگی ارتکاب یافته توسط هر دو جناح حزب دیموکراتیک خلق، برای کمیته حقوق بشر فارو شایسته پشتیبانی جدی و تمجید فراوان است. نوشته ها و ترجمه های دقیق و با کیفیت این هموطن عمدتاً وقف عدالتخواهی بوده است. بار کار مبتنی بر اصول مدرن کمپیوتری بالای لیست پنجهزار قربانی، محترم آریا راه را برای تحقیقات بیشتر توسط فعالین حقوق بشر، مؤرخین و حقوقدانان هموار ساخته است.

محترم آریا ایجاد یک databank برای مستند سازی را در یکی از سایتها مطرح کرده است. کمیته حقوق بشر فارو که قبلاً پیشنهاد مشابه به این را در یک نظر سنجی سایت وزین افغان جرمن آنلاین مطرح کرده بود ازین طرح محترم آریا استقبال می کند. کمیته حقوق بشر فارو امیدوار است که از اینطریق همه قربانیان و بازماندگان شان یک آدرس معین برای ارسال مشخصات جرم ارتکاب یافته بالای خودشان یا اقارب شان اتفاق افتاده است، داشته باشند.

عکس العمل های گوناگون در برابر ابراز ندامت و معذرت خواهی عبدالرشید دوستم :  
تبصره های گوناگون راجع به معذرت خواهی دوستم از مردم افغانستان بخاطر اعمال گذشته اش در رسانه ها جلب توجه می کند. از نظر کمیته حقوق بشر فارو معذرت خواهی از مردم، ولو اینکه از طرف عبدالرشید دوستم باشد، حرکتیست متمدن و قابل تشویق. بخصوص در شرایط افغانستان که عده ای از جنایت سالاران لانه کرده در خارج با حزب سازی در داخل می کوشند با پر روئی و بدون ابراز ندامت از سیست های تبهکارانه گذشته شان، باز هم داخل عرصه سیاست شوند و عده ای دیگری پا را ازین هم فراتر گذاشته به عوض معذرت خواهی از اعمال شان در سال های نود قرن بیست، پیروزی مردم افغانستان بر روس ها را دست آورد شخصی خود دانسته و از مردم امتیاز می خواهند. آنکه در همچو شرایط ابراز ندامت می کند و معذرت می خواهد، بخاطر این ابتکار کریدت کسب می کند. حتی اگر این معذرت خواهی بخاطر اهداف انتخاباتی هم صورت گرفته باشد.

نوشته محترم داکتر سید عبدالله کاظم بنام "نکاتی چند پیرامون نوشته اخیر آقای دهراد":  
این نوشته پاسخ روشنی است به محتویات نوشته آقای بصیر دهراد تحت عنوان " پاسخ و توضیح بر سوالات محترم داکتر سید عبدالله کاظم". در نوشته آقای بصیر دهراد نکاتی هم موجود اند که باید از جانب کمیته حقوق بشر در مورد آن توضیح داده شود.

.. آقای دهراد به شرایط قبل از فاجعه هفت ثور اشاره می کند که مبارزات سیاسی شکل بحث داشت. وی می افزاید که بعد از بقدرت رسیدن حزب دیموکراتیک خلق برخی از مخالفین این حزب دست به جنگ چریکی زدند. آقای دهراد فراموش کرده اند بیافزایند که حزب دیموکراتیک خلق آزادی عقیده و بیان را از همه مردم سلب نمود. به مخالفین خود برچسب "اشرار" زد و دیکتاتوری "پرولتاریا!" را بر آنها تطبیق نمود. دیگر آزادی بحث وجود نداشت. حتی یک تبصره عادی راجع به "نابغه شرق!!" و یا تجاوز اتحاد شوروی که بیری کارمل قبول دوستی با آنکشور را "شرط وطنپرستی" می دانست می توانست منجر به مرگ و حد اقل حبس طویل شود. همه کس باید از "انقلاب!" پشتیبانی می کرد و الی مورد پیگرد آگسا، کام، خاد و واد قرار می گرفتند. آیا در چنین شرایطی راه دیگری جز جنگ چریکی یا کار سیاسی مخفی وجود داشت؟

از جانب دیگر آنانیکه در میدان جنگ مسلحانه علیه روس ها و رژیم وقت کشته شده اند، شهدای گلگون کفن ملت اند. دلجویی از فامیل های شان بر هر افغان وطندوست واجب است. اما ایشان موضوع بحث عدالت انتقالی نیستند. موضوع بحث عدالت انتقالی آن افراد ملکی اند که خانه های مسکونی شان توسط توپ و تانک و طیارات نظامی رژیم و روس ها مورد حمله قرار گرفته و متحمل خسارات جانی و مالی شده اند. افراد نظامی صرف زمانیکه بنا به مریضی، دستگیری یا تسلیم شدن از میدان جنگ خارج می گردند، از حقوق افراد ملکی برخوردار می شوند. همچنان افراد ملکی که توسط نیروهای امنیتی رژیم بخاطر دگراندیش بودن، مخالفت با مداخله روس ها در افغانستان و عدم همکاری با رژیم زندانی گردیده و متعاقباً سر به نیست شده و یا محکوم به جزا های شدید گردیده اند، موضوع بحث عدالت انتقالی می باشند. آیا بازماندگان شهداء و سایر قربانیان این جنایات حق عدالت خواهی دارند؟ همه اصول انسانی و کنوانسیون های حقوق بشر ملل متحد این حق قربانیان را تضمین کرده اند. آیا استفاده ازین حق به معنی بر هم زدن اتحاد افغان هاست؟ جواب ما به این سؤال اینست که بهترین راه رسیدن به اتحاد افغان ها همانا تطبیق عدالت انتقالی است. عدالت انتقالی یک پروسه است که با انتقام جویی سروکاری ندارد و هدف آن دلجویی از قربانیان است. محاکمه متهمین صرفاً یکی از شیوه های دلجویی از قربانیان درین پروسه می باشد. اتحادی که بدینگونه بوجود می آید، برعکس اتحاد های مصلحتی نوع کرزی، اتحاد پایدار است.

.. آقای بصیر دهراد مینویسند: " در تمام اسناد هالندی فقط بر جرایمی استناد می گردد که به احتمال قوی در سال های ۱۹۷۸ و ۱۹۷۹ اتفاق افتاده اند. ولی احتمالاً بنا بر دلایل سیاسی تمام جرایم مرتکبه به سال های بعدی ارتباط داده شده



## Federation of Afghan Refugee Organizations in Europe

اند. " آیا واقعاً در اسناد هالندی قیاس شده است که جنایات دو سال اول حاکمیت حزب دیموکراتیک خلق افغانستان در تمام دوره ۱۴ ساله حاکمیت این حزب انجام یافته؟ یک نظر کوتاه به گزارش رسمی وزارت خارجه هالند مؤرخ ۲۹ فبروری سال ۲۰۰۰ تحت عنوان "ارگانهای امنیتی رژیم کمونیستی" نشان می دهد که این گزارش بین آگسا، کام، خاد و واد دقیقاً تفاوت گذاشته و تشکیلات، بازداشتگاه ها و متوذهای شکنجه را در هر یک از این ارگان های استخباراتی بطور جداگانه شرح داده است. بطور مثال در مورد مراکز خاد برای شکنجه زندانیان سیاسی در پاورقی صفحه ۱۸ گزارش رسمی از گزارش سال (۱۳۶۴) ۱۹۸۵ گزارشگر خاص ملل متحد چنین نقل قول می گردد:

" گزارشگر خاص ملل متحد در گزارش سال ۱۹۸۵ خویش تذکر می دهد که شکنجه سیستماتیک نه تنها در کابل بلکه در بازداشتگاه ها در سایر نقاط افغانستان موجود است. گزارشگر خاص بطور مشخص از زندان پل چرخ، پایگاه های نظامی (خاصاً در ولایات)، حوزه های پولیس در کابل و ولایات، وزارت داخله، قرارگاه مرکزی خاد (صدارت-م) و هشت بازداشتگاه خاد در کابل. گزارشگر خاص می افزاید که بیش از دو صد خانه در کابل و حومه آن بحیث بازداشتگاه خاد مورد استفاده قرار دارد. (UN Report on Human Rights, ۱۹۸۵ paragraph ۸۷) در گزارش سال ۱۹۸۹ خویش، گزارشگر خاص از استنتاج در یازده حوزه پولیس خبر می دهد. عین تصویر فوق را در گزارش سازمان عفو بین المللی (شکنجه زندانیان سیاسی، صفحه ۶ و ۷) نیز می توان یافت. " این مثال مشت نمونه خراوار از اسنادیست که موجودیت کتله ای زندانیان سیاسی و شکنجه سیستماتیک آنان توسط رژیم در سالهای بعد از از بین رفتن امین را نشان میدهد. آیا میتوان با این وصف چشم های خود را بروی واقعیت های تاریخی بست و از آنچه قابل دفاع نیست، دفاع نمود؟

.. در اخیر باید یاد آوری کرد که تأیید ضرورت محکمه خاص ملل متحد برای افغانستان که در آن متهمین گوناگون مورد محاکمه شفاف قرار گیرند، امریست مثبت. این نظر را فارو سال ها پیش مطرح نمود. متأسفانه تصمیم گیری در مورد تشکیل همچو محکمه در ساحة صلاحیت شورای امنیت ملل متحد قرار دارد. روسیه، انگلستان و امریکا بخاطر تاریخچه مداخلات و درگیری های شان در حمایت از ناقضین حقوق بشر و جانین جنگی سه و نیم دهه اخیر، در وضع کنونی حاضر به ایجاد محکمه خاص افغانستان نخواهند شد. بگفته محترم رحمت آریا یگانه کاریکه اکنون قربانیان انجام داده می توانند، مستند سازی جنایات و جمع آوری مدارک و اسناد ثبوت این جنایات است. شاید روزی یک محکمه داخلی یا بین المللی جنایات سه و نیم دهه اخیر افغانستان را مورد غور قرار دهد.

(کمیته حقوق بشر فارو)